در شباهت «لیونل مسی» و «مسعود کیمیایی»

سید عبدالجواد موسوی

مسی این روزها همانند گذشته تمام‌کننده نیست. ضربه‌های نهایی‌اش مثل همیشه بوی گل می‌دهند اما کمتر به گل تبدیل می‌شوند. یا با فاصله از کنار دروازه می‌گذرند، یا به مدافعان برخورد می‌کنند و یا در بهترین حالت، تیر دروازه را می‌لرزانند؛ چرا؟ در نابغه‌بودن مسی کمتر کسی شک دارد. او قهرمان بلامنازع مستطیل سبز است اما در این چند بازی اخیر نمی‌تواند کاری را که همیشه و اغلب به راحتی انجام می‌داد، انجام دهد. دلیلش را همکار خوبمان علی کربلایی به درستی نوشت: «مسی تنهاست». علی کربلایی معتقد است این روزها نیمار هم تنهاست. منتهی تنهایی مسی و نیمار جنسش متفاوت است؛ تنهایی نیمار به درخشش بیشتر او منجر شده اما تنهایی مسی او را بی‌فروغ جلوه داده؛ چرا؟ مسی آنقدر بزرگ است که هر ستاره‌ای، حتی ستاره پرفروغی مثل نیمار، در کنار او نمی‌تواند چنان که شاید و باید تجلی کند و اصلاً من فکر می‌کنم دلیل کوچ نیمار از بارسلونا بیش از آنکه مادی باشد، همین موضوع است.

نیمار این را فهمیده بود که هرچقدر هم در بارسلونا خوش بدرخشد، باز هم اسمش زیر سایه سنگین مسی خواهد ماند. در همین بازی چند شب پیش پاری‌سن‌ژرمن، نیمار نقش مسی را در بارسلونا ایفا کرد. او دو گل زد، دو پاس گل داد و یک پنالتی گرفت. همه تیم در خدمت نیمار بود و نیمار هم با همه وجود در خدمت تیم. همان شب، مسی در بارسا همه ضربه‌هایش را به تیرک دروازه کوبید. مسی با همه عظمتش، بدون نیمار و دنی آلوس و ژاوی نمی‌تواند مسی همیشگی باشد. مسی یک نابغه است اما فوتبال یک بازی تیمی است و یک نابغه حتی اگر مسی باشد، نمی‌تواند به تنهایی بار یک تیم را به دوش بکشد.

در فیلم «فرار به سوی پیروزی»، وقتی مربی تیم فوتبال متفقین می‌خواهد روی تخته سیاه به بازیکنانش طرز درست بازی‌کردن را آموزش بدهد، پله گچ را از دست مربی می‌گیرد و در حالی که سعی می‌کند روی تخته سیاه حرفش را با شکل نشان دهد، می‌گوید: «شما توپ رو می‌دین به من و من هم همه رو دریبل می‌کنم و توپ را می‌فرستم توی دروازه آلمان‌ها». ما آن زمان‌ها خیلی بچه بودیم و در نظرمان پله خدای فوتبال بود. با این حال، حتی در یک فیلم سینمایی تبلیغاتی، پله نتوانست مطابق خیال ما و خودش رفتار کند و به راحتی همه را دریبل کند و توپ را بفرستد توی دروازه نازی‌ها. منظورم این است که در عالم تبلیغات، این ستاره‌ها هستند که پیروزی‌های بزرگ را رقم می‌زنند اما در عالم واقع، اگر در اطراف آن ستاره بزرگ، ستاره‌های کوچک‌تر حضور نداشته باشند، هیچ پیروزی بزرگی رقم نخواهد خورد. اگر بخواهیم آمار و ارقام را معیار قرار دهیم، مسی در یکی- دو بازی گذشته، به مراتب از بازی‌های فصل پیش بیشتر تلاش کرده است؛ در واقع مثل یک جنگجوی انتحاری، یک‌تنه به مصاف سپاه حریف رفته، بیشتر از هر وقت دیگری دریبل زده و پاس داده و دروازه را هدف گرفته. گویی «جان اسنو»وار یکه و تنها در مقابل زمستان ایستاده است و دیگر امیدی به هیچ‌کس جز خودش ندارد. هیچ منصفی توانایی‌های حیرت‌آور مسی را نمی‌تواند منکر شود اما اگر امثال نیمار نباشند، این توانایی‌ها کمتر به منصه ظهور خواهد رسید. مسی برای به نمایش درآوردن قابلیت‌های بی‌شمارش، نیاز به نیمار و امثالهم دارد. آنهایی که نیمار را فروختند و به خیال احمقانه خود سود هنگفتی از این راه به جیب زدند، نفهمیدند که با این کار بخشی از مسی را هم فروختند. رفتن مسی به زمین بازی بدون ژاوی و دنی آلوس، حکم جنگاوری را دارد که بدون سلاح به میدان نبرد می‌رود.

مثال اینجایی می‌زنم تا شاید عمق فاجعه را بهتر دریابیم؛ «مسعود کیمیایی» در سینمای ایران نام بزرگی است اما همین نام بزرگ چگونه می‌تواند بدون «بهروز وثوقی» و «اسفندیار منفردزاده» و «نعمت حقیقی»، بار دیگر «گوزن‌ها» و «داش‌آکل» بسازد؟ نمی‌شود. منتقدانی که از او توقع دارند یک بار دیگر او معجزه کند و سینمای ایران را کُن فَیَکون کند، به این موضوع توجه نمی‌کنند که او بدون آن نام‌ها، بخش بزرگی از وجودش خالی است. این حرف به معنای نفی و انکار توانمندی‌های او نیست. اتفاقاً رمان «جسدهای شیشه‌ای» کیمیایی نشان داد که او هنوز هم می‌تواند کارهای بزرگی را به سرانجام برساند، منتهی سینما کار یک نفر نیست. رمان و شعر کار یک نفر است، اما سینما کار جمعی است. کیمیایی وقتی داستان فیلمی را می‌نویسد، براساس قابلیت‌ها و امکان‌های موجود در اطرافش می‌نویسد. آیا در اطراف او، امروز کسی یافت می‌شود که بتواند نقشی هم‌سنگ قیصر و داش‌آکل و سید گوزن‌ها را بازی کند؟ آیا کسی یافت می‌شود که بتواند آن تصویرهای حیرت‌آور را بر پرده نقره‌ای جان بخشد؟ آیا هنرمندی یافت می‌شود که صدای بی‌صدا را تبدیل به نغمه و فریادی خوش‌الحان کند؟ مدیران بارسا اگر می‌خواهند همچنان مسی ستاره تیمشان باشد، هرچه سریع‌تر باید فکری به حال اطراف مسی کنند.

زمانی که مسی به بارسلونا آمد، رونالدینیو با همه وجود از این استعداد شگفت استقبال کرد و در مدت زمان کوتاهی این دو، زوج افسانه‌ای بارسا لقب گرفتند. امروز مسی آمادگی آن را دارد که از یک پدیده خارق‌العاده استقبال کند و همان نقشی را بازی کند که رونالدینیوی بزرگ برای او بازی کرد. آیا این اتفاق به زودی رخ خواهد داد؟

نگاهی به رقم قرارداد اسپانسرها با تیم‌های ملی و باشگاه‌های دنیا

فدراسیون فوتبال ایران در حالی در دبی به دنبال قرارداد با آدیداس است که نگاهی به قرارداد تیم‌های ملی و باشگاهی در دنیا نشان می‌دهد ما در این زمینه تا چه اندازه عقب هستیم.

به گزارش تسنیم، دبیرکل فدراسیون فوتبال و برخی از مسئولان فدراسیون در حالی برای امضا و نهایی کردن قرارداد با شرکت تولید کننده پوشاک ورزشی آدیداس به دبی رفتند که شنیده‌ها حاکی از آن است که این قرارداد نیز همچون سایر قراردادهایی که در چند سال اخیر با تولیدکنندگان پوشاک خارجی بسته شده چنگی به دل نمی‌زند و با قراردادهای حرفه‌ای و روز دنیا اختلاف فاحشی دارد.

فدراسیون فوتبال تاکنون در خصوص جزییات این قرارداد مطلبی منتشر نکرده و پیگیری‌های خبرنگاران تسنیم برای اطلاع از این موضوع تاکنون نتیجه‌ای نداشته اما سفر به امارات و نه آلمان، مرکز اصلی شرکت آدیداس و امضای قرارداد با یک پخش کننده محلی و نه حضور سران شرکت آدیداس در ایران – اولین تیم آسیایی صعود کننده به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه- نشان از ضعف در ارتباطات بین المللی فدراسیون و هنر چانه‌زنی آنها داشته و همه اینها نشان از یک قرارداد یک طرفه به نفع شرکت تامین کننده پوشاک دارد.

فدراسیون فوتبال، باشگاه‌های مطرح ورزشی و حتی کمیته ملی المپیک در سال‌های اخیر قراردادهای مختلفی را با برندهای گوناگون منعقد کرده‌اند که در اکثر آنها نه تنها شرکت تولید کننده پوشاک مبلغی را بابت اسپانسرشیپ به آنها پرداخت نکرده بلکه مبالغ قابل توجهی را به عنوان هزینه پوشاک خود دریافت و صرفاً به ارائه تخفیف‌های چه بسا جزیی به تیم‌ها بسنده کرده و از این فضای ایجاد شده نهایت بهره را برده و سودهای هنگفتی عاید خود کرده‌اند.

این اتفاق نادر در حالی در ایران تبدیل به یک رویه شده که با نگاهی گذرا به ورزش روز دنیا اختلاف فاحش میان رویکرد مدیران ورزشی ایران و سایر کشورهای حرفه‌ای را متوجه می‌شویم. وقتی برنامه مدونی برای در اختیار گذاشتن جایگاه تیم‌های ملی خود نداشته باشیم قطعا در مسیر جذب حامیان مالی و تامین البسه تیم‌ها با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو می‌شویم.

بد نیست برای روشن شدن بیشتر موضوع مروری بر جزییات قراردادهای تیم‌های ملی و باشگاهی داشته باشیم.

در سطح فدراسیون‌های ملی

تیم ملی برزیل:قرارداد برزیل با شرکت نایکی که از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۸ اعتبار دارد ۳۴ میلیون دلار است که آن را تبدیل به چهارمین رقم سنگین قرارداد بین المللی کرده است.

تیم ملی اسپانیا: قرارداد آدیداس با اسپانیا تا پایان سال ۲۰۱۸ از ۲۷٫۳ میلیون دلار در سال که در ۲۰۱۰ بسته شد به ۳۲٫۷۳ میلیون دلار در سال افزایش یافته است.

تیم ملی انگلیس: نایکی توانست امبرو را کنار بزند و با انگلیس تا پایان سال ۲۰۱۸ قرارداد ۴۵ میلیون دلاری در سال ببندد که دومین قرارداد بزرگ فوتبال بین المللی است. نایکی پنج قرارداد از ۱۰ قرارداد بزرگ بین المللی را بسته است.

تیم ملی آلمان:آدیداس مبلغ سالانه ۳۷ میلیون دلار سالانه به فدراسیون این کشور می‌پردازد که آن را بدل به سومین قرارداد بزرگ کرده است.

تیم ملی ایتالیا: پومای آلمانی که فقط یکی از ۱۰ قرارداد بزرگ بین المللی را دارد با ایتالیا از سال ۲۰۰۲ قرارداد بسته و از سال ۲۰۱۲ هم آن را تا پایان ۲۰۱۸ تمدید کرد، با رقمی بالغ بر ۲۷٫۵ میلیون دلار در سال.

تیم ملی آرژانتین: آرژانتین از سال ۱۹۷۴ تاکنون با آدیداس قرارداد دارد و در سال ۲۰۱۱ قرارداد خود را برای ۱۱ سال تا پایان ۲۰۲۲ به مبلغ ۱۱ میلیون دلار سالانه تمدید کرد.

تیم ملی فرانسه: قرارداد فرانسه با نایکی در سال ۲۰۱۱ به مبلغ ۴۷۴ میلیون دلار برای ۷ سال و نیم (سالانه ۷۰ میلیون دلار) که منجر به پایان همکاری ۳۲ ساله فرانسه با آدیداس شد. این فدراسیون توانسته با فولکس واگن آلمان هم قرارداد پنج ساله به ارزش ۲۷٫۵ میلیون دلار ببندد.

تیم ملی سوئیس: پوما با سوئیس قرارداد ۴ ساله به مبلغ ۱٫۵ میلیون دلار در سال تا پایان سال ۲۰۱۶ بسته و هنوز از تمدید آن اطلاعی در دست نیست.

تیم ملی کره جنوبی: نایکی قرارداد اولیه خود که ۱۶٫۳ میلیون دلار برای ۵ سال بود و در ۲۰۰۷ تمام می‌شد را برای چهار سال به مبلغ ۲۷ میلیون دلار (۲۴ میلیارد وون کره) تمدید کرد. آدیداس برای این قرارداد با نایکی رقابت می‌کرد و پیشنهاد چهار ساله به مبلغ ۲۹٫۳ میلیارد وون کره (پنج میلیارد وون بالاتر از نایکی) ارائه داده بود. با این حال کره‌ای‌ها نگران بودند که قرارداد جدید با آدیداس سبب شکایت قانونی نایکی به دلیل بندی از قرارداد قبلی شود و به همین دلیل ناگزیر از امضای قرارداد با نایکی شدند. نکته اینکه در آستانه جام جهانی ۲۰۱۴ هم این مبلغ ۲۷ میلیون دلار ذکر شد.

در سطح باشگاهی:

رئال مادرید: قرارداد جدید آدیداس با رئال مادرید محرمانه و جمع‌آوری شده توسط منابع خبری گوناگون است. طبق این اطلاعات آدیداس بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۴ مبلغ یک میلیارد یورو به رئال می‌پردازد که شامل سالیانه مبلغ ثابت ۷۰ میلیون یورو است به اضافه ۲۲٫۵ درصد از فروش کالاهای با برند رئال مادرید که پیش‌بینی می‌شود به سالانه ۳۰ میلیون یورو بالغ شود. (نشریه فوربس معتقد است که این قرارداد ۱٫۶ میلیارد دلار است که رقم بالاتری را شامل می‌شود.)

همچنین در صورت قهرمانی رئال در لیگ، آدیداس ۲٫۵ میلیون یورو اضافه می‌پردازد (این اطلاعات مربوط به سال ۲۰۱۵ است) که این رقم در ۲۰۲۰ به ۳٫۵ میلیون یورو افزایش خواهد یافت. برای

قهرمانی در جام قهرمانان اروپا هم ۵ میلیون یورو در ۲۰۱۵ در نظر گرفته شد که در سال ۲۰۲۰ به ۷ میلیون یورو افزایش خواهد یافت.

در ازای این مبالغ، آدیداس حق انحصاری سازماندهی مراسم قهرمانی رئال در مرکز شهر مادرید و آبشار مرکزی مادرید را خواهد داشت تا عنوان خود را در مرکز و با حداکثر توجه عرضه کند.

چلسی: چلسی با آدیداس قراردادی از سال ۲۰۰۶ بسته بود که در ۲۰۱۰ با رقم ۱۶۰ میلیون پوند برای هشت سال تا ۲۰۱۸ تمدید شده بود (سالی ۲۰ میلیون پوند). در تابستان ۲۰۱۷ و دو سال قبل از انقضای این قرارداد چلسی با پرداخت ۴۰ میلیون پوند این قرارداد را لغو کرد و در عوض قراردادی ۱۵ ساله به مبلغ ۹۰۰ میلیون پوند با نایکی بست که تا ۲۰۳۲ ادامه خواهد داشت (سالی ۶۰ میلیون پوند). چلسی همچنین قرارداد ۵۷ میلیون دلار در سال را با یوکوهاما تایر به عنوان شریک صنعتی بسته است.

منچستریونایتد: منچستریونایتد با آدیداس قرارداد ۱۰ ساله بست و نایکی را پشت سر گذاشت آن هم با مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار در سال. (همچنین AON ۲۲ میلیون در سال برای نامگذاری زمین تمرین تیم و حک برند خود روی پیراهن‌های تمرین تیم می‌پردازد. قرارداد منچستر با شورلت ۵۵۹ میلیون دلار برای ۷ سال و ۸۰ میلیون دلار سالانه است که دو برابر قرارداد قبلی باشگاه است.)

بایرن مونیخ: آدیداس پنجاه سال است که با بایرن مونیخ قرارداد و البته سهامی هم در این باشگاه، دارد. قرارداد این دو، تا سال ۲۰۳۰ با ارزش ۱۱۱ میلیون دلار در سال تمدید شده است. (این باشگاه سالانه ۳۴ میلیون دلار هم از دویچه تلکام می‌گیرد (شریک صنعتی) و ۱۵۰ میلیون دلار هم به شرکت آلیانتس می‌دهد تا ورزشگاه را به نامش نگه دارد. این شرکت ۸ درصد سهام باشگاه را هم در اختیار دارد.)

به گزارش تسنیم در اسپانسری باشگاه‌ها و فدراسیون‌های ملی دو طبقه قرارداد وجود دارد؛ اسپانسری تولیدکننده پیراهن (کیت پارتنر) و اسپانسری شرکتی (کورپوریت پارتنر) که متاسفانه ورزش ایران از بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌ها در هر دو مدل این قراردادها عقب مانده است.

سایت انگلیسی گزارش داد؛

دایی در جمع ۵۰ اسطوره تاریخ فوتبال جهان

یک سایت انگلیسی از مهاجم پیشین تیم ملی کشورمان به عنوان یکی از اسطوره‌های تاریخ فوتبال یاد کرد.

سایت انگلیسی «دیز فوتبال تایمز» در گزارشی به معرفی ۵۰ اسطوره تاریخ فوتبال پرداخته است که یکی از این آنها علی دایی، مهاجم پیشین تیم ملی کشورمان است. در این گزارش آمده است: پله با ۳۲ گل اختلاف، کریستیانو رونالدو با ۳۶ گل اختلاف و لیونل مسی با ۵۱ گل اختلاف، دنباله‌روی علی دایی هستند. هیچ فوتبالیستی نه در گذشته و نه در حال نتوانسته به رکورد گل‌های زده علی دایی در رده ملی برسد. از سال ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۷ که دایی از بازی‌های رده ملی اعلام بازنشستگی کرد او به رقم شگفت‌آور ۱۰۹ گل زده رسید و تنها بازیکنی شد که از مرز ۱۰۰ گل ملی گذشت.

دایی یکی از آن دست بازیکنان خاص از جمله گئورگی هاگی، هریستو استویچکوف و دیه‌گو مارادونا بود که زمانی که پیراهن تیم ملی کشورشان را به تن داشتند، سیری صعودی داشتند. علی دایی به طرزی فوق‌العاده در ۱۴۹ بازی ملی ۱۰۹ گل به ثمر رساند، این در حالی است که در ۲۸۷ بازی باشگاهی در مجموع تیم‌های مختلف تنها ۳ گل بیشتر از این تعداد به ثمر رساند.

دایی برخلاف بسیاری از فوتبالیست‌های هم‌دوره خود در آسیا و خاورمیانه، از اینکه شانس خود را در فوتبال اروپا امتحان کند، هراسی نداشت، هرچند او نتوانست انتظارات را آنطور که باید در آلمان برآورده کند و بیشتر گلزنی‌های او بیشتر در کشور خودش و تیم ملی ایران بوده است.

در ادامه این گزارش اشاره شده است که علی دایی فوتبالش را در سن ۱۹ سالگی از تیم استقلال اردبیل آغاز و سپس به تیم‌های تاکسیرانی و در ادامه بانک تجارت رفته است. او در سال ۱۹۹۴ بود که به پرسپولیس پیوست که شروع موفقیت‌های وی به خصوص در تیم ملی ایران بود. در آن سال دایی در ۱۸ بازی ملی ۲۲ گل برای ایران به ثمر رساند که همین سبب شد تا السد قطر نسبت به جذب او اقدام کند.

او در مسابقات جام ملت‌های آسیا که در امارات برگزار می‌شد، ۸ گل برای تیم ملی ایران به ثمر رساند که ۴ گل را به تنهای در پیروزی ۶ بر ۲ معروف ایران برابر کره جنوبی به ثمر رساند. با وجود اینکه تیم ملی در ادامه مسابقات در مرحله نیمه‌نهایی و در ضربات پنالتی مغلوب عربستان شد، اما در همان سال علی دایی پشت سر خداداد عزیزی که به عنوان مرد سال فوتبال آسیا رسید، عنوان دومی را از آن خود کرد.

در قطر دایی در ۱۶ بازی لیگی، ۱۰ گل برای السد به ثمر رساند و در سال ۱۹۹۷ راهی آرمینیا بیله‌فلد شد. در سالی که تیم ملی ایران چشم به راهیابی به جام جهانی ۱۹۹۸ فرانسه داشت، علی دایی در ۲۵ بازی بوندس‌لیگایی ۷ گل برای آرمینیا به ثمر رساند، اما همانند همیشه او همچنان ناجی تیم ملی کشورش بود. دایی در سال ۱۹۹۷ در ۱۷ بازی ۹ بار گلزنی کرد و ایران راهی بازی پلی‌آف بین قاره‌ای با استرالیا شد، جایی که برنده راهی جام جهانی ۱۹۹۸ می‌شد. ایران در بازی رفت در مقابل ۱۲۸ هزار تماشاگر در تهران به تساوی یک بر یک برابر مردان تری ونبلز تن داد. اگرچه رویای واقعی در بازی برگشت شکل گرفت، جایی که ایران یکی از بهترین نتایج تاریخ خود را برابر ۹۵ هزار تماشاگر در ملبورن به دست آورد و با جبران دو گل عقب‌افتادگی خود، نتیجه را به تساوی کشاند و با توجه به قانون گل زده بیشتر در خانه حریف، جواز حضور در جام جهانی را گرفت.

علی دایی، خداد عزیزی و علی کریمی نوظهور و باقی اعضای تیم در ایران همانند قهرمانان مورد استقبال قرار گرفتند. در فرانسه، تیم تحت‌هدایت جلال طالبی در همان مرحله گروهی حذف شد، اما موفق به ثبت رکوردی قابل‌توجه با کسب مشهورترین نتیجه خود یعنی شکست ۲ بر یک آمریکا شد.

اوج فوتبال علی دایی، تابستانی بود که بایرن مونیخ او را به خدمت گرفت. در جمع باواریایی‌ها او با این تیم فاتح بوندس‌لیگا شد و در فینال لیگ قهرمانان اروپا در سال ۱۹۹۹ که بایرن در آن بازی دراماتیک در نوکمپ مغلوب منچستریونایتد شد، بازیکن جانشین بود که مورد استفاده قرار نگرفت. با این وجود دایی در همان سال برای اولین بار و البته برای آخرین بار به عنوان مرد سال فوتبال آسیا انتخاب شد.

دایی پس از پایان دوره حضورش در فوتبال آلمان به الشباب امارات پیوست و دو فصل برای این تیم بازی کرد و در نهایت به دوران بازیگری‌اش در ایران پایان داد.

سال ۲۰۰۰ سال فوق‌العاده دیگری برای دایی بود، جایی که در ۱۹ بازی ملی ۲۰ گل برای ایران به ثمر رساند. او با ۳ گلی که در همان سال در بازی‌های آسیایی لبنان برابر میزبان مسابقات به ثمر رساند از رکورد ۸۴ گل زده فرنس پوشکاش گذشت و سال بعد از آن نیز با به ثمر رساندن ۴ گل برابر لائوس، شمار گل‌های زده خود را به عدد ۱۰۰ رساند و سرانجام در ماه مارس ۲۰۰۶ با گلزنی مقابل کاستاریکا به رکورد ۱۰۹ گل زده ملی رسید.

زمانی که علی دایی با تیم ملی به جام جهانی ۲۰۰۶ آلمان رفت، ۳۶ ساله بود و قطعاً از بهترین روزهای خود فاصله گرفته بود و انتقاداتی نسبت به او مطرح بود که نباید در ترکیب تیم ملی قرار بگیرد. با این وجود فرانتس بکن‌باوئر، اسطوره فوتبال آلمان از او حمایت کرد و او را «سفیری فوق‌العاده و یکی از بهترین بازیکنانی که بایرن مونیخ داشته»، یاد کرد.

با این حال تیم ملی ایران پایان خوشی در جام جهانی ۲۰۰۶ نداشت و در همان مرحله گروهی بدون کسب امتیاز از گردونه رقابت‌ها کنار رفت، جایی که ماجراجویی دایی با تیم ملی هم به پایان رسید. امروزه همچنان ایرانیان از دایی به عنوان بهترین بازیکن تاریخ این کشور یاد می‌کنند، این در حالی است که بعید به نظر می‌رسد در سال‌های پیش‌رو مهاجمی بتواند رکورد او را بزند.

اخبار

صحبتی در مورد حضورم در هیئت مدیره استقلال نشده است

همسر پورحیدری: قرار بود طلب «منصور» را بدهند اما زیر قول‌شان زدند

همسر مرحوم منصور پورحیدری گفت: مدیرعامل باشگاه استقلال اعلام کرد که قرارداد همسرم غیرقانونی بوده و نمی‌توانند طلبش را پرداخت کنند.

فریده شجاعی در گفت‌وگو با خبرنگار ورزشی خبرگزاری تسنیم، درباره حضورش در هیئت مدیره باشگاه استقلال، نتایج این تیم و طلب مرحوم منصور پورحیدری و ... صحبت‌هایی را مطرح کرد که در زیر می‌خوانید:

* تسنیم: با توجه به غیبت محمدحسین قریب در جلسات هیئت مدیره استقلال، بحث حضور شما دوباره در جمع مدیران ارشد باشگاه استقلال مطرح شده است. آیا از طرف وزارت ورزش و جوانان صحبتی با شما شده است؟

دو ماه پیش صحبت حضورم در هیئت مدیره بود که میسر نشد، اما درباره موضوعی که امروز سؤال می‌کنید، نه صحبتی شده و نه چیزی شنیده‌ام. می‌دانم قریب به جلسات هیئت مدیره نمی‌رود، اما باید او راضی کنند که برگردد. هیئت مدیره و باشگاه استقلال نیاز به شخصی به نام قریب دارند. باشگاه باید فکر اساسی برای این روزهای خود کند. نظر خاصی در مورد نتایج استقلال ندارم، اما این تیم قربانی شده است.

* تسنیم: قطعاً اگر مرحوم پورحیدری زنده بودد، بابت نتایج استقلال خیلی حرص و جوش می‌خورد.

همه می‌دانند که منصور عاشق استقلال بود و خیلی حرص و جوش این تیم را می‌خورد. اگر الان بود، از صمیم قلب بابت نتایج تیم ناراحت می‌شد. استقلال دلسوزان زیادی دارد و امیدوارم مسیرش را پیدا کند. استقلال باید نتایج گذشته را جبران کنند. از هواداران هم تشکر می‌کنم که در بازی‌های این تیم از منصور یاد می‌کنند.

* تسنیم: مطالبات مرحوم پورحیدری توسط باشگاه پرداخت شد؟

اصلاً، نه تنها طلبش را نداده‌اند، بلکه هزینه بیمارستان نیز پرداخت نشده است. منصور تحت نظر بیمه تکمیلی صندوق حمایت از پیشکسوتان بود. ما ۷۰، ۸۰ میلیون تومان هزینه بیمارستان را پرداخت کردیم، اما صندوق هنوز هزینه‌های درمان همسرم را پرداخت نکرده است. دو ماه پیش رضا افتخاری، مدیرعامل استقلال تماس گرفت و رفتیم باشگاه. افتخاری گفت که قرارداد منصور به دلیل اینکه هم عضو هیئت مدیره بوده و هم سرپرست غیرقانونی بوده است و نمی‌توانند طلب او را پرداخت کنند. به او گفتم که مقام عضو هیئت مدیره را بردارید تا حداقل با عنوان سرپرست طلبش پرداخت شود. افتخاری گفت امکان این کار وجود ندارد. نمی‌دانم چطور الان خودش هم مدیرعامل است و هم عضو هیئت مدیره!

* تسنیم: طلب آن محروم چقدر است؟

اگر اشتباه نکنم برای سال ۹۵-۹۴ مبلغ ۲۳۰ میلیون و برای فصل گذشته ۲۰۰ میلیون تومان بود. باشگاه قبول کرده بود طلب منصور را بدهند، اما زیر حرف خودشان زدند.

خون پارسی در رگ‌هایم جریان دارد و درخواست تغییر تابعیت داده‌ام

سامان قدوس: ایران تنها گزینه من برای بازی در رده ملی است

هافبک - مهاجم ایرانی‌الاصل تیم اُسترسوند سوئد از آمادگی خود برای پذیرش دعوت مسئولان فدراسیون فوتبال ایران و بازی برای تیم ملی این کشور خبر داد.

نشریه اسپورت اکسپرسن سوئد در گفت‌وگویی که با سامان قدوس، هافبک - مهاجم ایرانی تیم فوتبال اوسترسوند سوئد انجام داده است، فاش کرد که این بازیکن ایرانی‌الاصل ۲۳ ساله تمایل دارد برای تیم ملی ایران بازی کند و این در حالی است که او سابقه بازی در تیم‌های پایه سوئد را دارد.

اسپورت اکسپرسن در مقدمه مصاحبه‌اش نوشته است: آبر زنلی (بازیکن ۲۲ ساله هیرنفین هلند که برای تیم زیر ۲۱ ساله‌های سوئد بازی کرد) ترجیح داد به عضویت تیم ملی کوزوو درآید و سئاد هاکاسابانوویچ (بازیکن تیم زیر ۱۶ ساله‌های سوئد) هم تیم ملی مونته‌نگرو را انتخاب کرد. حالا فوتبال سوئد ممکن است یکی دیگر از بازیکنانش را به یک تیم ملی دیگر بدهد. اسپورت اکسپرسن می‌تواند تأیید کند که سامان قدوس در این اواخر بارها و بارها تماس‌هایی از سوی فدراسیون فوتبال ایران داشته است و برای گرفتن تابعیت این کشور اقدام کرده است. او می‌گوید: «من امروز در سفارت ایران بودم».

اسپورت اکسپرسن این‌گونه ادامه داده است: با زدن ۱۰ گل در ۲۷ بازی‌اش در فصل گذشته، سامان قدوس در تیم اف کی اُسترسوند موفقیت‌های بزرگی کسب کرد و پس از آن در ماه ژانویه به اردوی تیم ملی سوئد فراخوانده شد، جایی که اولین بازی‌های ملی‌اش را برابر ساحل عاج و پس از آن برابر اسلواکی در دو دیدار دوستانه انجام داد. امسال روند خوب گلزنی او باز همه ادامه پیدا کرد. بعد از هفت گل در جام حذفی سوئد، چهار گل در لیگ و یک گل زیبا و تأثیرگذار که مسبب پیروزی یک بر صفر تیمش برابر گالاتاسرای در مرحله مقدماتی لیگ اروپا شد، حالا مشتریان خارجی قدوس هم بیشتر شده‌اند، اما فقط تیم‌های باشگاهی نیستند که او را می‌خواهند. فدراسیون فوتبال ایران تلاش‌هایش را برای جذب این هافبک - مهاجم ۲۳ ساله شدت بخشیده است تا او را به مرحله نهایی جام جهانی ببرد.

قدوس که پیش از این گفته بود احتمال ماندن در تیم ملی سوئد و رفتنش به ایران ۵۰-۵۰ است، گفت: من برای گرفتن تابعیت ایران به سفارت رفتم. آنها (فدراسیون فوتبال ایران) نشان داده‌اند که مرا می‌خواهند. تفاوت بزرگی که الان در وضعیت من شکل گرفته این است که ایران واقعاً نشان داده است که مرا می‌خواهد. آنها به میزان زیادی به من اعتماد دارند و واقعاً می‌خواهند که برای‌شان بازی کنم. این مهم‌ترین تفاوتی است که وضعیت من نسبت به گذشته دارد و تصور می‌کنم که در حال حاضر این تنها گزینه‌ای است که دارم.

قدوس در پاسخ به این سؤال که آیا از آخرین حضورش در اردوی سوئد در ماه ژانویه دیگر تماسی از سوی مسئولان این تیم داشته است یا نه، گفت: خیر، در واقع هیچ تماسی نداشته‌ام.

وی درباره احتمال پیوستنش به تیم ملی ایران برای دور جدید بازی‌های مرحله انتخابی جام جهانی هم اظهار داشت: در سریع‌ترین زمان ممکن باید تصمیم‌گیری‌های لازم صورت بگیرد. در پایان ماه آگوست تیم‌های ملی باید فهرست بازیکنان‌شان را اعلام کنند. پس آنها قطعاً از من می‌خواهند که هرچه سریع‌تر تصمیمم را بگیرم. کاملاً مشخص است که بازی در جام جهانی جذابیت زیادی دارد.

بازیکن تیم اُسترسوند در پاسخ به این سؤال که اگر فرصت بازی برای هر دو تیم ملی ایران و سوئد را می‌داشت، کدام یک را انتخاب می‌کرد، تأکید کرد: فعلاً هیچ جوابی نمی‌توانم بدهم. برای من هنوز هم ۵۰-۵۰ است اما همان‌طور که پیش از این گفتم، فعلاً فقط یک تیم ملی به جذب من تمایل نشان داده است. من همیشه عاشق سوئد خواهم بود، چون در اینجا بزرگ شده‌ام. برای من زندگی در سوئد باعث افتخار است و خوشحالم که در اردوی تیم ملی این کشور در ماه ژانویه هم حضور داشتم. در عین حال والدین من ایرانی هستند. خون پارسی در رگ‌های من است. من ایران را هم دوست دارم.

اعتراض هواداران استقلال به فغانی و منصوریان

برخی هواداران استقلال بعد از گل دوم پدیده علیه سرمربی آبی پوشان شعار دادند و خواستار کنار رفتن وی شدند. دیدار دو تیم استقلال تهران و پدیده مشهد از هفته پنجم لیگ هفدهم و از ساعت ۱۸ در ورزشگاه آزادی در حال برگزاری است. حاشیه های این دیدار را در زیر می خوانید:

* قبل از شروع دیدار از پزشکان دو تیم استقلال و پدیده مشهد به مناسبت روز پزشک تقدیر شد.

* محمدرضا خلعتبری، محمد قاضی، معین عباسیان و رضا ناصحی به نیمکت استقلال رفته و با منصوریان خوش و بش کردند.

* محمد قاضی دقایقی در آغوش منصوریان ماند و زیر لب با او صحبت هایی کرد.

* دقیقه ۲۲ این دیدار از سوی هواداران مرحوم پورحیدری مورد تشویق قرار گرفت. هواداران استقلال برای شادی روح این پیشکسوت فاتحه ای قرائت کردند.

*طرفداران استقلال به شدت از عملکرد فقانی داور این دیدار ناراحت بوده و علیه او شعار دادند.

* علیرضا منصوریان که شرایط سختی در استقلال دارد بعد از دریافت گل مرتبا با سوت زدن نکات فنی را به بازیکنان گوشزد می کرد.

* سیدمهدی رحمتی بعد از دریافت گل با فریادهایش بر سر مدافعان استقلال به خاطر آزاد گذاشتن محمد قاضی از آنان خواست دقت بیشتری کنند تا مهاجمان حریف به راحتی صاحب گل نشوند.

* بعد از گل دوم پدیده به استقلال که در دقیقه ۷۲ به ثمر رسید برخی هواداران استقلال خواستار جدایی علیرضا منصوریان شدند.

افاضات مسعودی

رسیدن به نیمه نهایی خودش یک فینال است !

۱- لیگ قهرمانان آسیا در سال ۲۰۱۳ را همه بخاطر داریم . لیگی که استقلال با پشت سر گذاشتن حریفان سرسخت خودش توانست تا مرحله نیمه نهایی و جمع چهار تیم برتر قاره صعود کند و تا فینال و رسیدن به سومین ستاره فقط دو بازی فاصله داشته باشد .دو بازی سخت و نفس گیر با اف سی سئول نماینده قدرتمند کره جنوبی که الحق و الانصاف تیم خوب و قلدری هم بود . بازی رفت در کره و با نتیجه ۲ بر صفر به سود سئولی ها به پایان رسید و بازی برگشت علیرغم تلاش بسیار استقلالی ها با نتیجه دو بر دو تساوی خاتمه یافت تا استقلال در مجموع با نتیجه ۴ بر ۲ شکست بخورد و از رسیدن به فینال باز بماند .در گروه مقابل گوانگ ژو اورگراند با برتری ۸ بر ۱ در مجموع دوبازی کاشیوا ریسول ژاپن را درهم کوبید تا شاگردان مارچلو لیپی دیدار فینال را در برابر اف سی سئول برگزار کنند که نهایتاً با نتیجه سه بر سه و بخاطر گل زده بیشتر درخانه حریف به مقام قهرمانی این رقابتها در سال ۲۰۱۳ برسند .

۲- رسیدن به جمع چهارتیم رقابتهای لیگ قهرمانان آسیا و مرحله نیمه نهایی کار آسانی نیست و اگر تیمی می خواهد به این مرحله و جمع چهارتیم برسد باید خیلی قدرتمند باشد که بتواند به چنین جایگاه مهمی دست پیدا کند . البته بازی در این مرحله در برابر تیم های شرق آسیا هم برای خودش فینالی است و خیلی سخت است در مقابل تیم های این منطقه با بازیکنان و مربیان بزرگ و گران قیمت بتوان قد علم کرد .

۳- پرسپولیس امسال تا مرحله یک چهارم و جمع هشت تیم برتر قاره رفته و در صورت پیروزی بر الاهلی عربستان در دو دیدار رفت و برگشت جواز رسیدن به مرحله نیمه نهایی را می گیرد و برای اولین بار پس از سال ۲۰۰۲ که این مسابقات به این نام یعنی لیگ قهرمانان آسیا تغیی